

سیاست حافظه

در شعر معاصر ایران

چرا شعرهای معاصر ایران پیش از دهه‌ی هفتاد
بیش از شعرهای امروز در حافظه مانده‌اند؟

هفت حوض (۶)

موسیقی فراتر از صداست

گفت‌وگو با مهدی نصیری
نوازنده و سازنده سنتور

سرچشمه (۲)

نماینده زنجان در مجلس:

سد مشمیا

از بن بست خارج شد

مشروطه (۴)



موسیقی فراتر از صداست

گفت‌وگو با مهدی نصیری، نوازنده و سازنده سنتور

حسین نجاری

و دولتی بوده است. موسیقی در واقع حافظه‌ی احساسی تمدن است. اگر تاریخ بشر را تنها به رخدادهای سیاسی و اقتصادی محدود کنیم، چیزی بسیار سرد و خشک باقی می‌ماند. این موسیقی است که به تمدن روح بخشیده، احساسات را جاودانه کرده و پلی میان نسل‌ها ساخته است.

جناب نصیری، موسیقی مادر مقایسه با موسیقی ملل دیگر چه جایگاهی دارد؟ آیا دنیا موسیقی ما را جدی می‌گیرد؟

ببینید موسیقی ایرانی از قدیمی‌ترین نظام‌های موسیقی جهان است و دستگاه‌ها و ردیف‌های آن، یکی از پیچیده‌ترین و غنی‌ترین ساختارهای ملودیک جهان را تشکیل می‌دهند. جایگاه جهانی موسیقی ایران در سطح آکادمیک و پژوهشی بسیار جدی گرفته می‌شود و در دانشگاه‌های معتبر موسیقی جهان، واحدهایی درباری موسیقی دستگاهی ایرانی ارائه می‌شود.

اما در سطح عمومی، موسیقی ایرانی به اندازه‌ی موسیقی هند، اسپانیا یا حتی موسیقی عربی شناخته شده نیست. دلیل این مسئله را باید در کمبود معرفی و بازاریابی بین‌المللی، موانع فرهنگی و سیاسی، محدودیت‌های رسانه‌ای، به‌ویژه در صداوسیما، و نیز نبود یک صنعت موسیقی قدرتمند در ایران جست‌وجو کرد.

همین عوامل سبب شده است که موسیقی ما کمتر به گوش مردم جهان برسد. به نظر می‌رسد موسیقی ما در مقایسه با ادبیات، سینما و تئاتر، کمتر تن به تحول داده است و در سال‌های اخیر به‌ندرت می‌توان اثری خلاقانه از منظر ایده‌پردازی و اجرا مشاهده کرد. گویی حس خلاقیت در این حوزه دچار رکود شده است. اگر با این نگاه موافقت، دلایل آن را در چه می‌دانید؟

این که چرا موسیقی ایران، به‌ویژه موسیقی جدی و هنری، در ظاهر کمتر از حوزه‌هایی مانند شعر، داستان، سینما و حتی تئاتر به نوآوری تن داده است، دلایل متعددی دارد.

نخست، محدودیت‌های رسمی و قانونی است. موسیقی بیش از ادبیات یا سینما در معرض محدودیت‌های حقوقی و نهادی قرار داشته است. برای مثال، صدور مجوز، ممیزی و خط قرمزهای محتوایی در موسیقی سخت‌گیرانه‌تر اعمال شده، به‌ویژه در زمینه‌ی اجرا و انتشار عمومی. همین مسئله باعث شده است جریان خلاقیتی که نیازمند آزادی در عرضه و انتشار آثار است، با محدودیت روبه‌رو شود. از سوی دیگر، در ایران نهادهای مؤثری برای حمایت از موسیقی تجربی و نوآورانه وجود ندارد، در حالی که در سینما و ادبیات، جشنواره‌ها، جوایز، نقد و محافل تخصصی تاحدی جریان‌های نوآورانه را تقویت کرده‌اند.

چالش‌های امروز و چشم‌انداز آینده‌ی این هنر. مهدی نصیری در این گفت‌وگو، با نگاهی بر آمده از سال‌ها تجربه، از موسیقی نه فقط به عنوان یک هنر، بلکه به مثابه‌ی بخشی از حافظه، هویت و فرهنگ این سرزمین سخن می‌گوید. گفت‌وگوی پیش رو تلاشی است برای واکاوی همین مسائل؛ از کارکردهای اجتماعی و تمدنی موسیقی تا جایگاه جهانی موسیقی ایرانی، از علل کاهش خلاقیت و ماندگاری آثار تا نسبت موسیقی با فناوری، آموزش، بازار و سیاست‌های فرهنگی.

در این گفت‌وگو، مهدی نصیری با نگاهی انتقادی و در عین حال دغدغه‌مند، دیدگاه‌های خود را درباری وضعیت گذشته، حال و آینده‌ی موسیقی ایران بیان می‌کند؛ دیدگاه‌هایی که، فارغ از موافقت یا مخالفت با آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ای برای تأمل و گفت‌وگو درباری یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگ و هنر ایران باشد. زیرا آینده‌ی موسیقی ایران، بیش از هر چیز، در گرو گفت‌وگو، نقد، پژوهش و پاسداشت میراثی است که قرن‌ها در حافظه فرهنگی این سرزمین ریشه دوانده است.

جناب نصیری، دنیای بدون موسیقی بی‌تردید دوزخی و وحشتناک است. ما موسیقی را، در وهله‌ی نخست، از طبیعت دریافته و آموخته‌ایم و صدای طبیعت در زمره زیباترین، ماندگارترین و الهام‌بخش‌ترین موسیقی‌هاست. اما می‌خواهم پرسش موسیقی چه کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی دارد و چه تأثیری بر تمدن بشری گذاشته است؟

موسیقی از دیرباز تنها هنری برای لذت بردن نبوده، بلکه همچون زبان دوم بشر در تار و پود فرهنگ، جامعه و تاریخ تنیده شده است. کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی موسیقی و تأثیر آن بر تمدن را می‌توان این گونه دسته‌بندی کرد:

ایجاد همبستگی جمعی: موسیقی همواره ابزاری برای گردآوردن انسان‌ها بوده است؛ از آوازهای کار در مزارع گرفته تا سرودهای ملی و آیینی.

کارکرد درمانی و روانی: آوازها و نواها از دیرباز در آیین‌های شفابخشی، آرام‌سازی و حتی روان‌درمانی کاربرد داشته‌اند.

انتقال سنت‌ها: موسیقی نقش حافظه‌ی جمعی را ایفا کرده و داستان‌ها، تاریخ و ارزش‌ها را در قالب ترانه‌ها منتقل کرده است.

موسیقی همواره بر سایر هنرها نیز اثر گذاشته است؛ از شعر، نقاشی و رقص گرفته تا معماری و دیگر هنرها. همچنین در تمامی تمدن‌های بزرگ، از سومر و مصر باستان تا هند، ایران و دیگر تمدن‌ها، موسیقی بخش جدایی‌ناپذیر آیین‌های مذهبی

اشاره: موسیقی، صرفاً مجموعه‌ای از نغمه‌ها و اصوات نیست؛ بلکه بخشی از موسیقی، تنها مجموعه‌ای از نغمه‌ها و اصوات نیست، حافظه‌ی شنیداری یک ملت و تپش پنهان روح تاریخ است. آنچه گاه کتاب‌ها از روایتش بازمی‌مانند، موسیقی در زمره‌ی سازها و آواها به یاد می‌سپارد. هر تمدنی را می‌توان از خلال موسیقی‌اش شناخت؛ زیرا شادی‌ها، اندوه‌ها، آیین‌ها، شکست‌ها و امیدهای یک سرزمین، پیش از آن که در کلمات ثبت شوند، در نغمه‌ها جان گرفته‌اند. در میان سازهای موسیقی ایرانی، سنتور جایگاهی کهن و ممتاز دارد؛ سازی که با طنین زلال و ریزهای بلورینش، قرن‌هاست زبان گویای موسیقی دستگاهی ایران بوده است. صدای سنتور، گویی گفت‌وگوی چوب و سیم با خاطره‌ی این سرزمین است؛ سازی که هم شور را روایت می‌کند و هم سکوت را، هم اندوه را و هم امید را. از همین رو، پاسداشت سنتور، تنها حفظ یک ساز نیست؛ صیانت از بخشی از حافظه‌ی فرهنگی ایران است.

این میراث، نسل به نسل، به دست هنرمندانی منتقل شده که موسیقی را نه صرفاً حرفه‌ای برای زیستن، بلکه شیوه‌ای برای زیبا زیستن دانسته‌اند. مهدی نصیری از جمله همین هنرمندان است؛ نوازنده و مدرس باسابقه‌ی سنتور که بیش از چهار دهه از عمر خود را صرف آموختن، آموزش دادن و پاسداشت موسیقی اصیل ایرانی کرده است.

نصیری، متولد سال ۱۳۴۹ در زنجان، فراگیری سنتور را از سال ۱۳۶۲ نزد استاد زند آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ برای تکمیل دانش و مهارت خود راهی تهران شد. او در آنجا از محضر استادانی چون بهروز لشکری، حسین پورمعین، سعیدنعمی منش، پرویز مشکاتیان و مهدی ستایشگر بهره‌برد و آندوخته‌های خود را در کنار تجربه، ممارست و عشق به موسیقی تکامل بخشید.

او از سال ۱۳۸۰ فعالیت حرفه‌ای خود را در عرصه‌ی آموزش و اجرا آغاز کرد و تاکنون، افزون بر تربیت نسل‌های متعدد هنر جوان، داوری هشت دوره جشنواره‌ی استانی و یک دوره جشنواره‌ی محلی - کشوری را بر عهده داشته و در کنسرت‌های گوناگون داخل و خارج از کشور به اجرای برنامه پرداخته است. وی هم‌اکنون نیز به عنوان مدرس سنتور در آموزشگاه‌های «چکاوک» و «طرب» و «تاریا» به آموزش مشغول است و همچنان انتقال تجربه و پاسداشت موسیقی اصیل ایرانی را رسالت هنری خود می‌داند.

گفت‌وگوی پیش رو، صرفاً مرور کارنامه‌ی یک نوازنده نیست؛ بلکه تأملی است بر سرگذشت موسیقی ایران، نسبت سنت و نوآوری، جایگاه آموزش،



عکس‌ها: حامد رحمتی

بخش بزرگی از جامعه نیز موسیقی را برای لذت سریع و مصرف روزمره می‌خواهد؛ بنابراین بازار به سمت بازتولید کلیشه‌ها حرکت می‌کند و ریسک خلاقیت کاهش می‌یابد. در مجموع، ترکیب محدودیت‌ها، نبود حمایت، انتظار بازار، سلیقه مخاطب و بحران هویت، باعث شده است موسیقی ایرانی کمتر از برخی هنرهای دیگر به نوآوری تن دهد.

موسیقی امروز ما، در مقایسه با دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که هر یک از خوانندگان ایرانی سبک خاص خود را داشتند و فارغ از بحث کیفیت و رعایت استانداردهای موسیقی دستگاهی، آثار متنوعی تولید می‌شد، امروز با نوعی سری‌دوری مواجه است. به نظر شما چرا دچار چنین وضعیتی شده‌ایم؟ اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان موسیقی ایران در دهه‌های بیست تا پنجاه با وضعیت امروز داشته باشیم، چند عامل کلیدی مطرح می‌شود. در آن دوره، موسیقی در بستر رادیو، تلویزیون و محافل زنده، اعم از کافه‌ها، کنسرت‌ها و محافل هنری، میدان اصلی عرضه بود. همین امر باعث می‌شد هر خواننده و آهنگ‌ساز، برای ماندگاری، هویت مستقل و صدای منحصر به فرد خود را بسازد و آموزش ببیند. اما امروز بخش بزرگی از موسیقی پاپ و تجاری، بدون پشتوانه‌ی آموزشی عمیق تولید می‌شود و با تنظیم‌های الکترونیکی کار به پایان می‌رسد. در دهه‌های چهل و پنجاه، موسیقی‌دانان از حمایت رادیو، شرکت‌های ضبط و پشتیبانی‌های دولتی بهره‌مند بودند و رقابت بر سر کیفیت و ماندگاری آثار بود.

جناب نصیری، سؤال ما را به شکل دیگری مطرح می‌کنم. به نظر می‌رسد در پنجاه سال گذشته، آهنگ‌های ماندگاری در موسیقی ایرانی (فارسی) خلق شده و آثاری از همایون خرم، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، محمدرضا شجریان، هنگامه اخوان، دلکش، هایده، حمیرا و ده‌ها چهره دیگر را می‌توان از مصداق آن برشمرد؛ اما امروزه کمتر شاهد خلق چنین آثاری هستیم. چه عوامل و مؤلفه‌هایی باعث این رکود شده است؟

در آن دوره، موسیقی به بخش جدی زندگی فرهنگی جامعه تبدیل شده بود و شنوندگان برای شنیدن یک اثر جدید، اشتیاق و زمان صرف می‌کردند. امروز شتاب زندگی، رسانه‌های دیجیتال، موسیقی پاپ وارداتی و تغییر سلیقه‌ی نسل‌ها باعث شده است کمتر مجالی برای نشستن و گوش دادن به موسیقی جدی باقی بماند. بسیاری از خوانندگان شاخص یا مهاجرت کردند یا امکان فعالیت نداشتند. موضوعات و مضامین مجاز نیز محدود شد و در نتیجه، بخشی از تنوع شعر و تجربه‌های موسیقایی از دست رفت.

در آثار بزرگانی مثل شجریان، شهرام ناظری، ایراج بسطامی، پرپسا، هنگامه اخوان و... یا حتی خوانندگان پاپ سنتی مانند هایده، دلکش، حمیرا و... شعر کلاسیک فارسی (حافظ، سعدی، مولوی، خیام و...) جایگاه به خصوصی داشت. اما امروز استفاده از شعر فاخر کمتر شده و ترانه‌های ساده و دم‌دستی بیشتر رایج‌اند. این تغییر، عمق موسیقی را کمتر کرده است و آهنگسازانی چون همایون خرم، تجویدی، پرویز مشکاتیان، فرامرز پایور، حسین علیزاده، محمدرضا لطفی و دیگران، موسیقی‌دان‌های چندبعدی بودند. ردیف‌دان بودند و آهنگساز، نوازنده و اهل تئوری ولی امروز بسیاری از تولیدات موسیقی متکی بر تنظیم ساده یا الگو برداری از سبک‌های غربی‌اند و کمتر ملودی‌پرداز و نوآوری‌اصیل دیده می‌شود. در این سال‌ها به ندرت می‌توان آثار تازه و تأثیرگذاری را دید که منحصر به فرد باشد، از آن جمله برخی آثاری که همایون شجریان با همراهی و هدایت پورناظری‌ها خلق کرده‌اند به نظر می‌رسد در زمره آثار ماندگاری هستند که در این ده ساله تولید شده‌اند و غیر از مثلث همایون و پورناظری‌ها هنرمندان دیگری در چنین سطحی به تولید اثر نپرداخته‌اند. آن‌ها عموماً تن به تقلید سپرده و در جازده‌اند یا مثل حافظ ناظری و امثالهم سراپا هیاهو بوده‌اند و با پنجه کشیدن بر چهره‌ی موسیقی و بزرگان آن، فضا را مسموم کرده‌اند، آیا شما چنین چیزی را می‌پذیرید؟ لطفاً در این باره بیشتر برای ما بگویید.

ترکیب صدای همایون شجریان با آهنگسازی و نگاه سهراب و تهمورس پورناظری در واقع ادامه‌ای است بر سنت موسیقی کلاسیک ایران، اما بارنگ آمیزی و زبان تازه‌تر، آثارشان معمولاً هم به ردیف ملودی‌های ایرانی وفادارند و هم از ارکستر اسبیون مدرن ریتم‌ها و تنظیم جهانی بهره می‌برند، همین بل می‌ان سنت

و معاصرت سبب شده مخاطب زیادی از خواهان موسیقی سنتی تا نسل جوان با آثارشان ارتباط بگیرند. به همین خاطر بسیار از دوستاران موسیقی آثارشان را در زمره‌ی خوب‌های دهه‌ی اخیر بدانند. موسیقی ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های زیادی روبرو بوده که محدودیت‌های اجرایی و نظارتی بسیاری از تجربه‌های جسورانه را متوقف کرده است و اقتصاد ضعیف موسیقی باعث شده تولید آثار جدی و پر هزینه دشوار شود و فشار، بازار و سلیقه‌ی عامه، خیلی از هنرمندان را به سمت کارهای ساده‌تر یا حتی تقلیدی می‌برد. این شرایط طبیعی است که باعث شود معدود پروژه‌هایی مثل کارهای همایون و پورناظری‌ها برجسته به نظر بیایند. اشاره‌تان به حافظ ناظری و برخی دیگر از چهره‌ها حاکی از این است که گاه تبلیغات و جنجال رسانه‌ای بیش از محتوی هنری جلوه می‌کند. بعضی آثار بیش از آن که موسیقی عمیق و نوآور باشند بر شعار جهانی بودن یا انقلاب در موسیقی تکیه دارند. همین تفاوت میان تبلیغ و محتوی باعث دلزدگی بخشی از جامعه هنری و مخاطبان جدی شده است. درست است که همایون شجریان و پورناظری‌ها آثار برجسته‌ای دارند ولی در همین سال‌ها هنرمندان دیگری هم کارهای قابل توجه داشته‌اند هرچند شاید کمتر دیده یا شنیده شده باشند. مثلاً در زمینه‌ی موسیقی دستگاهی نواحی تلفیق نام‌هایی مثل کیهان کلهر، علیرضا مشایخی، استاد شریف لطفی، پیمان سلطانی، احسان ذبیحی‌فر، سیامک آقای، علی بهرامی و... بوده است.

آیا می‌شود گفت حضور هژمونی تکنولوژی در عرصه‌ی هنر، بر خلاقیت آن صدمه زده و دیگر خبری از آثار خلاقه‌ی سابق نیست؟ بله، افراد زیادی از منتقدان اعتقاد بر این دارند. هژمونی تکنولوژی یکی در عرصه‌ی هنر باعث شده به جای تنوع، آثار شبیه به هم شوند. هنر به محتوی تقلیل می‌یابد و سرعت و کمیت، جای عمق و نوآوری را می‌گیرد. به نظر شما چه مولفه‌هایی در نوآوری موسیقی موثرند، این الزامات و

عناصری که موجب ماندگاری یک قطعه یا یک آهنگ می‌شود چیست؟ نوآوری در موسیقی مؤلفه‌های مهمی دارد که بنده به چند نمونه‌اش می‌توانم اشاره کنم. ریتم نوع‌آورانه، هارمونی و مدلهای سازبندی و رنگ‌آمیزی متمایز، ملودی به یاد ماندنی، توازن بین سادگی و پیچیدگی و بیانگری شخصی که نشانگر امضای هنرمند می‌باشد.

امروزه در میان نسل جدید گرایش به موسیقی غربی رو به تزاید است. از جهتی بسیاری از موزیسین‌های جوان خارج نشین، خود را نسبت به هنرمندان داخلی پیش‌تر دانسته و با تصور اینکه موسیقی غربی را به صورت مستقیم درک کرده و با الهام از آن و نیز تلفیق این موسیقی با موسیقی ایرانی تصور می‌کنند دست به خلاقیت زده‌اند و کارهای بکر و خارق‌العاده‌ای ارائه می‌دهند، احتمالاً آن‌ها خام‌طبعانه دستگاه موسیقی ما را دستکاری کرده و ارگانیزم آن را به هم می‌ریزند، شما چه راهکاری برای مصونیت موسیقی ایرانی و در عین حال متجدد شدن آن پیشنهاد می‌کنید؟ نوآوری لزوماً به معنای غربی کردن موسیقی نیست. می‌توان با استفاده از سازهای ایرانی، ریتم‌های محلی، شعر معاصر و حتی تفکیک‌های مدرن، ضبط و تنظیم، کارهای تازه و به روزی آفرید. موزیسین‌های جوان قبل از هر گونه تلفیق باید شناخت عمیق‌تری از دستگاه‌ها، ردیف‌ها و ظرایف اجرایی موسیقی ایرانی پیدا کنند. خیلی از انحرافات ناشی از سطحی‌نگری نسبت به موسیقی ایرانی است. وقتی ساختار و ارگانیزم آن درست فهمیده نشود، هنرمند حتی در تلفیق هم مراقب هویت آن نخواهد بود. تجربه‌ی هنرمندانی همچون حسین علیزاده کیهان کلهر و حمید متبسم نشان می‌دهد که می‌توان در چارچوب موسیقی ایرانی دست به خلاقیت زد بدون آن‌که هویت آن مخدوش شود و هنرمندان خارج نشین کارهایی که ارائه کرده‌اند به عنوان نوآوری بیشترشان فقط از شعر ایرانی استفاده کرده‌اند با موسیقی غربی و اسم تلفیق بر آن نهاده‌اند.

همانطور که می‌دانید در گذشته مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی در راستای حمایت و بازسازی موسیقی اصیل دستگاهی ایران به وجود آمد. به نظر شما این مرکز و موسسه چه قدر موفق عمل کرده و امروز چه باید کرد؟

مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایران در دهه‌ی چهل توسط استاد دارویش صفت و با حمایت دولت در آن زمان تأسیس شد و در موسیقی معاصر ایران نقش بسزایی ایفا کرد. هدف اصلی این مرکز بازآفرینی و آموزش موسیقی دستگاهی ایران بود که با آموزش به نسل جدید هنرجویان بسیاری از ردیف‌ها، گوشه‌ها و سبک‌های استادان قدیم ثبت و ماندگار شد و هنرمندان زیادی همچون پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، محمدرضا شجریان، داریوش طلاحی، کامکار و ذوالفقون و... از این مرکز برخاستند و این اساتید ستون‌های موسیقی اصیل معاصر شدند.

و اما امروز چه باید کرد؟ به نظر من ایجاد مراکز پژوهشی و آموزشی نوین، ثبت و دیجیتال سازی میراث و... خیلی کارهای دیگر که البته نیاز به حمایت دولتی هست و به نظر بنده میسر نیست.

به نظر می‌رسد برخی آموزشگاه‌ها برخی مربیانی هستند که از تجربه‌ی کافی برخوردار نیستند آیا چنین چیزی لطمه‌ای به مسئله‌ی آموزش نمی‌زند؟

بله درست می‌فرمایید کیفیت آموزش در هر رشته‌ای از جمله موسیقی نیاز به مهارت، تجربه و دانش دارد. اگر یک مربی موسیقی تجربه‌ی کافی نداشته باشد و روش‌های آموزشی او قطعاً ناکارآمد خواهد بود و هنرجو پیشرفت کندی خواهد داشت یا حتی دوچار عادت‌های غلط در نوازندگی و خوانندگی شود. هنرجو دچار سرخوردگی و شاید به دلیل پیشرفت کم انگیزه‌ی خود رو از دست دهد.

امروزه مسئله‌ی آموزش در مقایسه با سال‌های گذشته چه وضعیتی دارد؟

آموزش موسیقی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته تغییرات زیادی کرده است. در گذشته آموزش موسیقی بیشتر به شکل حضوری و نزد استادان خاص و در شهرهای بزرگ امکان‌پذیر بود، اما امروزه در اکثر مناطق امکان یادگیری فراهم هست که به صورت آموزشگاه‌های موجود حضوری و آنلاین و پلتفرم‌های آموزشی و... بسیار آسان‌تر شده است. قدیم‌تر آموزش بیشتر به شیوه‌های سنتی و انتقال شفاهی (سینه به سینه) بوده. ولی امروز به صورت علمی‌تر و استانداردتر و بین‌المللی‌تر شده است. البته در گذشته سخت‌گیری‌های اساتید بیشتر بود و نتیجه بهتر بود.



سد مشمپا از بن بست خارج شد

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی گفت: گره کور سد مشمپا زنجان بعد از مدت‌ها باز شد.

نبی‌اله‌محمدی رئیس مجمع نمایندگان استان زنجان با اشاره به تعیین تکلیف پروژه نیمه‌تمام سد مشمپا، اظهار داشت: یکی از گره‌های کور و چندین ساله در حوزه انتخابیه زنجان و طارم با پیگیری‌های مستمر باز شد و به‌زودی عملیات اجرایی این سد با مشارکت بخش خصوصی کلید خواهد خورد.

به گزارش موج پیداری، وی با تشریح

روند پیگیری این پروژه، افزود: احداث سد مشمپا که حدود ۶ تا ۷ سال به دلیل چالش‌های مجوز دچار توقف و تعلل شده بود، در سفر رئیس‌جمهور به استان زنجان (مرداد ۱۴۰۴) مطرح و احیای مجوز آن مطالبه شد. پس از آن با بازدید میدانی وزیر نیرو، موانع قانونی برطرف و مجوز ماده ۲۳ که مانع راه پیشرفت پروژه شده بود، اخذ شد.

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه پس از اخذ مجوز، تلاش‌های جدی از سوی مجمع نمایندگان استان و دستگاه‌های اجرایی برای فعال‌سازی پروژه صورت گرفت، گفت: تکمیل سد مشمپا خیر و برکت بسیاری برای استان زنجان خواهد داشت و نقش بسزایی در تأمین آب بخش

کشاورزی و صنعتی ایفا خواهد کرد؛ همچنین برنامه‌ریزی‌های لازم جهت تأمین بخشی از آب شرب منطقه نیز در دستور کار قرار دارد. در جلسه‌ای که مهندس موسوی عضو هیأت رئیسه کمیسیون عمران با وزیر نیرو و هماهنگ کردند نیز پیگیری‌های ویژه‌ای انجام خواهد شد.

وی با اشاره به رویکرد گره‌گشایی در پروژه‌های راکد استان بیان داشت: در گذشته نیز موفق به باز کردن گره‌های بزرگی از جمله پروژه جاده «فره‌پشتلو»، تکمیل دو خطه کردن راه آهن زنجان-قزوین و تعیین تکلیف تعاونی‌های مسکن، تکمیل پل دوربرگردان دانشگاه و تعریض جاده ترانزیت زنجان‌رود،

رفع تنش آبی روستاها، توسعه و تکمیل ۱۰۰ کیلومتر فاضلاب شهر زنجان، تأمین مدارس مساکن ملی و موارد دیگری در زنجان شدیم که خوشبختانه تمامی این موارد به جریان افتادند.

وی تأکید کرد: نکته حائز اهمیت این است که پیشبرد چنین پروژه‌های مهمی در شرایط فعلی، نشان‌دهنده عزم راسخ و همکاری مجمع نمایندگان مردم استان در مجلس با مسئولان اجرایی استان و کشور است. جا دارد از



زنجان را از بحران آب نجات دهد همین سداست. سد مشمپا به نوعی آینده آب شرب شهر زنجان را تأمین خواهد کرد و اگر این سد در چند سال آینده به بهره‌برداری نرسد، قطعاً با این وضعیت آب سد تهم، آب شرب مردم شهر زنجان با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

البته ناگفته نماند حجم این سد از طرح اولیه بازنگری شده و حجم مخزن آن از ۷۰۰ میلیون متر مکعب به ۳۵۰ میلیون متر مکعب کاهش داده شد. این سد چون بر روی شاخه رودخانه قزل اوزن قرار دارد اطمینان‌پذیری بالایی برای آبیگری دارد. این سد قرار است علاوه بر تأمین شهرهای شهرستان‌های زنجان و سلطانیه، ۲۱۹ روستای شهرستان زنجان و روستاهای مسیر تأمین آب شرب کند. طبق برنامه‌ریزی قرار شده ۱۷۵ متر مکعب آب صنعت رانیز تأمین کند.

مطالعات این سد به زمان قبل از انقلاب برمی‌گردد که با وقوع انقلاب پروژه ساخت سد مشمپا نیمه تمام ماند و حتی از فهرست پروژه‌های وزارت نیرو به کلی ناپدید شد. با پیگیری‌های انجام‌شده توسط نمایندگان وقت زنجان در دوره هفتم مجلس، طرح ساخت سد مشمپا دوباره به لیست طرح‌های وزارت نیرو اضافه شد و روند ساخت آن با

مستقر شدن دولت نهم و پیگیری‌های پرویز فتح‌شدت گرفت. ولی باز هم در میانه راه این سد به دلیل کمبود اعتبارات نیمه‌تمام باقی ماند و در دولت سیزدهم هم تلاش‌های جدی برای تکمیل این سد انجام شد ولی تلاش مسئولان وقت گویا کافی نبود. نوبت به دولت چهاردهم رسید و در سفر مرداد ماه سال گذشته مسعود پزشکیان به زنجان، این مطالبه به جد از سمت نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور مطرح شد و خوشبختانه این طرح از بن‌بستی خارج شده و قرار است طبق گفته نبی‌اله محمدی عملیات اجرایی آن آغاز شود.

پیگیری‌ها و مطالبات به‌حق مردم که همواره چراغ راهنمای ما بوده است، کمال تشکر را داشته باشم. همچنین باید از نقش آفرینی مؤثر اصحاب رسانه در پیگیری مطالبات مردمی، همکارانم در مجمع نمایندگان استان، مسئولان اجرایی استان، شرکت آب منطقه‌ای زنجان و وزارت نیرو برای به‌ثمر نشستن این پروژه تقدیر ویژه داشته باشم.

تعیین تکلیف و تکمیل سد مشمپا در این شرایط منابع آبی نیز از اولویت‌های جدی مردم بود و به یک مطالبه در منطقه تبدیل شده بود. اخطارهای کمبود آب در استان شدت گرفته بود و تنهاسدی که می‌توانست



اکبر عبدی چشمان مرگ را بوسید

واکنش اهالی فرهنگ و هنر به درگذشت اکبر عبدی



در پی درگذشت اکبر عبدی، صفحات هنرمندان پر شد از عکس‌های سیاه‌وسفید و واژه‌هایی چون «نایغه»، «مرد هزارچهره» و «عمو اکبر»؛ پیام‌هایی که در کنار سوگ برای بازیگری تکرارنشدنی، یک حسرت مشترک را نیز بازتاب می‌دادند: قدر او و نبوغش آن‌گونه که باید دانسته‌نشد.

به گزارش ایرنا، هنوز زمان زیادی از تأیید خبر درگذشت اکبر عبدی نگذشته بود که رنگ صفحات شخصی اهالی سینما و تلویزیون تغییر کرد. عکس‌های صمیمی پشت صحنه، قاب‌هایی از نقش‌های ماندگار، تصاویر شمع و نوارهای مشکی یکی پس از دیگری منتشر شدند و نامی آشنا بارها در میان نوشته‌ها تکرار شد: «عمو اکبر».

اکبر عبدی شامگاه جمعه دوم مرداد ۱۴۰۵، پس از یک دوره بیماری و چند ماه بعد از بستری شدن بر اثر عارضه قلبی، درگذشت. خبر درگذشت او را مسعود ده‌نمکی، کارگردان و از همکاران نزدیکش، تأیید

کرد. مرور واکنش‌های هنرمندان نشان می‌دهد که آنان برای توصیف عبدی بیش از هر واژه‌ای از «نایغه» استفاده کرده‌اند؛ صفتی که در پیام‌های دیگران نسل‌های مختلف از همکاران قدیمی او تا چهره‌های جوان‌تر، تکرار شده است.

نایغی‌ای که تنها با خودش مقایسه شد

فاطمه معتمدآریا با انتشار تصویری از عبدی، او را «رفیقی خوب، انسانی شریف و بازیگری نایغه» خواند؛ توصیفی کوتاه که سه وجه پررنگ شخصیت او در واکنش‌های دیگر هنرمندان را نیز در خود داشت: رفاقت، منش انسانی و استعداد بازیگری.

تهمینه میلانی از عبدی با عنوان «بازیگر هزار نقش» یاد کرد و نوشت او بازیگری خلاق بود که هر نقشی را که به وی سپرده می‌شد، با ژرفایی می‌کرد. نبوغ شایسته‌ای نیز او را «آقای تکرار نشدنی» و «سلطان بی تکرار نقش‌های جاودانه» نامید و نوشت نمی‌داند تاریخ بازیگری بار دیگر کسی شبیه او خواهد دید یا نه.

کوروش سلیمانی نوشت کمتر بازیگری در سینمای ایران توانایی عبدی را در ارائه نقش‌های متنوع، آن‌هم در بهترین شکل، داشته است. میر تاهر مظلومی نیز جمله‌ای نوشت که به یکی از صریح‌ترین واکنش‌ها تبدیل شد: «اکبر عبدی فقط با اکبر عبدی قابل مقایسه بود» و «فقدان عبدی را شگافی بزرگ در سینما و تئاتر دانست و تأکید کرد که نمایش از تاریخ سینمای ایران حذف نخواهد شد.

نوید محمدرزاده همه حرف خود را در یک جمله خلاصه کرد: «اکبر عبدی؛ اعجوبه‌ای که تکرار نمی‌شود». امیر غفارمنش نیز او را «نایغه متواضع» و یکی از بهترین تیپ‌سازان چهار دهه اخیر خواند؛ هنرمندی که به باور او، قلبی مهربان و سرشار از عشق داشت. این توصیف‌ها تنها اشاره‌ای به گرم‌پذیری یا توانایی عبدی در تغییر ظاهر نداشتند. وجه مشترک بیشتر پیام‌ها، تأکید بر قدرت او در خلق انسان‌های کاملاً متفاوت بود؛ از غلام‌رضای معصوم فیلم «مادر» تا ملیجک «ناصرالدین شاه آکتور سینما»، عباس «آدم‌رفی» و مادر سالخورده «خواب‌می‌آد».

«مادر کردیم»

در میان پیام‌های سوگوارانه، چند نوشته رنگ‌وبویی متفاوت داشتند و از حسرت قدرنشناسی نسبت به این بازیگر سخن می‌گفتند.

یوسف تیموری در استوری خود نوشت: «مادر کردیم برای قدردانی از زحمات شما» و عبدی را بهترین بازیگر و کم‌دین تاریخ سینمای ایران خواند و نوشت بازیگران امروز، در مکتب او همچنان شاگردند.

سحر دولتشاهی نیز با انتشار بخشی از فیلم «مادر» جمله‌ای گلایه‌آمیز نوشت: «کاش این سینما قدر نبوغ شما را می‌دانست. این واکنش از مغلوط پیام‌هایی بود که سوگ را مستقیماً با تقدیر رفتار سینما در قبال یکی از مهم‌ترین بازیگرانش پیوند می‌زد.

امیر کاظمی نیز ضمن یادآوری خاطرات همکاری با عبدی، نوشت ای کاش شرایطی فراهم می‌شد تا این بازیگر حاصل آخرین همکاری چندساله خود را ببیند. او بدون ارائه توضیحات بیشتر درباره سر نوشت این اثر، از عبدی به عنوان هنرمندی یاد کرد که نه تنها بازی، بلکه رفتار و شیوه همراهی با همکاران را به نسل‌های بعد آموخت. کنار هم قرار گرفتن این پیام‌ها، یک پرسش را بر جسته می‌کند: آیا سینمای ایران پیش از آنکه برای یکی از بزرگ‌ترین استعدادهایش سوگواری کند، جایگاه واقعی او را به درستی شناخته بود؟

رفیقی که رفت: سینمایی که «بی‌رفیق» شد

بخش دیگری از واکنش‌ها نه درباره کارنامه عبدی، بلکه درباره رفاقت با او بود؛

خاطراتی که نشان می‌دادند پشت‌نقش‌های پریها و شوخی‌هایش، مردی عاطفی و نزدیک به همکارانش حضور داشته است.

جمشید هاشم‌پور با انتشار عکسی مشترک نوشت: «اکبر جانم، رفیق شفیعم؛ در حرفه بازیگری بی‌رفیق شدم» و حضور عبدی را غنیمتی برای سینمای ایران دانست و نوشت در روزهای سخت، بودن در کنار او باعث می‌شد غم‌ها و گرفتاری‌ها برای لحظاتی فراموش شوند.

مهران غفوریان نیز در متنی بسیار عاطفی، از عبدی با تعبیر «اکبر جانم» و «عمو اکبرم» یاد کرد و نوشت باور رفتن هنرمندی را که بزرگ‌ترین، با استعدادترین و مهربان‌ترین بازیگر ایران می‌دانست، برایش دشوار است. او در استوری دیگری نوشت: «عمو اکبر عبدی عزیز من رو از دست دادیم؛ وای اکبر، اکبر».

اسدالله بکتبا با انتشار تصویری مشترک، نوشت: «حالم خوب نیست عبدی جان» و در ادامه، فقدان او را با این جمله توصیف کرد: «سایه اکبر عبدی از سر سینما کم شد». سیروس همتی نیز او را با واژه‌هایی چون «عمو»، «عشق»، «مرد»، «لوطی»، «صفا» و «وفا» بدرقه کرد.

علیرضا خمسه که سال‌ها در کم‌دی ایران هم‌نسل و همکار عبدی بود، نوشته خود را با مصراع «هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق» آغاز کرد و رفتن او را اندوهی دانست که ملتی را در سوگ فرو برده است. به نوشته خمسه، عبدی تنها یک ستاره نبود؛ او با نقش‌های ماندگار و اثرش بر پرده، همچنان زنده خواهد ماند.

امیر جعفری نیز نوشت: «خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد» و برای عبدی، به وسعت تمام خنده‌هایی که بر لب مردم آورده بود، آرامش آرزو کرد. بهرام علوی از «پرکشیدن آخرین خنده» نوشت و مهدی کوشکی او را «نایغه بازیگری، شیرین مثل قند» خواند.

روایت‌هایی از پشت‌دوربین

برخی پیام‌ها جزئیاتی از اخلاق و رفتار حرفه‌ای عبدی را بازگو کردند؛ روایت‌هایی که تصویر او را از یک بازیگر محبوب فراتر بردند.

فاطمه گودرزی نوشت عبدی سال‌ها مردم را شاد کرد و بی‌سروصدا به خانواده‌های بسیاری کمک رساند. او تأکید کرد خاطره چنین هنرمندی هرگز از دل مردم نخواهد رفت. نیلوفر پارسائیان از آخرین همکاری خود با عبدی در سریال «سبزواران» نوشت. به روایت او، تولید این مجموعه در شرایط دشوار، گرمای شدید و میان سه شهر تهران، مشهد و سبزوار انجام شد. پارسائیان نوشته است هر زمان خسته می‌شد و با عبدی تماس می‌گرفت، او بدون گلایه و با تمام توان به کار ادامه می‌داد؛ حتی زمانی که پخش پروژه چندبار به تعویق افتاد.

حسین فرح‌بخش، تهیه‌کننده سینما، عبدی را رفیق ۴۵ ساله خود خواند و تصویری قدیمی از جشن عروسی او در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. مهران رنجبر نیز نوشت افتخار می‌کند در ۲۴ سالگی مقابل عبدی و در دوربین ۳۵ میلی‌متری بازی کرده است. عرفان برزین، بازیگر جوان، گفت از کودکی فرصت بازی در کنار عبدی و آموختن از او را داشته است. سعید شیخ‌زاده هم همکاری با این بازیگر را افتخاری بزرگ برای هر هنرمند دانست. این دو پیام نشان می‌دادند که عبدی برای نسل‌های پس از خود، تنها هم‌بازی نبوده؛ بخشی از آموزش عملی بازیگری محسوب می‌شد.

حسرت آثاری که هنوز دیده نشده‌اند

در میان واکنش‌ها، نام سریالی با عنوان «ماه عسل» نیز چندبار تکرار شد. منوچهر هادی با انتشار تصویری از پشت صحنه این مجموعه، عبدی را در نقش خود در این سریال

بدرقه کرد. سیدعلی صالحی نیز نوشت عبدی نقش آفرینی در «ماه عسل» را پذیرفته بود، اما این مجموعه همچنان در آرشپو مانده و پخش نشده است. اشاره امیر کاظمی به اثری که عبدی فرصت تماشای نتیجه نهایی آن را پیدا نکرد نیز بر همین حسرت افزود؛ حسرت نقش‌ها و تصویرهایی که شاید پس از مرگ این بازیگر برای نخستین بار مقابل دیدگان مخاطبان قرار گیرند.

«بخشی از خاطرات چند نسل»

نیمه نظام‌دوست در نوشته‌ای مفصل، عبدی را نه فقط یک بازیگر بزرگ، بلکه «بخشی از خاطرات چند نسل از مردم این سرزمین» نامید. او نوشت رفتن چنین هنرمندی تنها داغ خانواده‌اش نیست، بلکه اندوهی برای دل همه مردمی است که با هنر، خنده‌ها و قلب بزرگ او زندگی کرده‌اند.

به‌نوش بختیاری نیز درگذشت عبدی را «پایان بخشی از خاطرات یک ملت» توصیف کرد و نوشت او هنرمندی از جنس مردم و ایران بود که با هزاران نقش و چهره، یادگاری بزرگ بر جا گذاشت.

ایرج طهماسب با انتشار تصویری از مراسم نکوداشت عبدی نوشت: «جایگاهت در هنر بزرگ و اعلا خواهد ماند». رضا کیانیان نیز در متنی کوتاه و تلخ نوشت: «اکبر

عبدی درگذشت؛ به همین سادگی!» و افزود همه او را دوست داشتند و همچنان دوستش خواهند داشت.

داریوش فرضیایی، رامبد جوان، امین حیایی، محمدشیری، سحر قریشی، صابر ابر، بهاره رهنما، الهام پاونژاد، الناز حبیبی، محسن کیایی، پردیس احمدیه، سارا بهرامی، رابعه اسکویی، قدرت‌الله ایزدی، کیانوش گرامی، رضا صادقی نیز با انتشار عکس، ویدئو یا پیام‌هایی کوتاه، درگذشت عبدی را به خانواده او و جامعه هنری تسلیت گفتند. دامنه واکنش‌ها به جامعه هنری محدود نماند. مسعود پزشکیان رئیس جمهور، نیز در پیامی عبدی را از سرمایه‌های بی‌یادماندن و ارکان ماندگار فرهنگ و هنر ایران دانست و فقدان او را به خانواده‌اش، جامعه هنری و مردمی که با آثارش خاطره ساخته‌اند، تسلیت گفت. مجموعه این واکنش‌ها، تصویری فراتر از یک بازیگر کم‌دی ارائه می‌کند؛ هنرمندی باتوانایی کم‌ظنیر در تغییر نقش، رفیقی مهربان برای همکاران و چهره‌ای نزدیک به مردم که خنده‌هایش وارد حافظه خانوادگی ایرانیان شد.

اکبر عبدی در آخرین قاب نیز همان‌گونه بدرقه شد که بیش از چهار دهه زندگی کرده بود: همکارانش او را «نایغه» خواندند و مردم «عمو اکبر»؛ بازیگری که رفت، اما نقش‌هایش همچنان جایی میان خنده و بغض چند نسل ادامه دارند.

اکبر عبدی بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون دوم مرادماه به دلیل ایست قلبی در ۶۶ سالگی درگذشت. مراسم تشییع پیکر این هنرمند یکشنبه (چهارم مردادماه) ساعت ۹:۳۰ در پهنه رودکی، مقابل تالار وحدت برگزار می‌شود و سپس در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده خواهد شد.

اکبر عبدی آقاباقر، دارنده نشان درجه یک فرهنگ و هنر متولد ۴ شهریور ۱۳۳۹ در تهران بود، عبدی اصالتاً به روستای آقاباقر اردبیل تعلق داشت و سال ۱۳۹۴ کلید طلایی اردبیل به او اهدا شد. عبدی از سال ۱۳۵۸ با دریافت مدرک دیپلم با نمایش‌های آماتوری فعالیت هنری‌اش را آغاز کرد. او از هنرجویان مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیما بود که با مجموعه تلویزیونی «باز مدرسم دیر شد» (۱۳۶۲) شناخته شد.

عبدی سپس در سال ۱۳۶۳ با فیلم «جنجال بزرگ» بازی در سینما را آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌های «مردی که موش شد»، «آجاره‌نشین‌ها»، «گراند سینما» و «ای ایران» توانست قابلیت‌های خود را در نقش‌های کم‌دی ثابت کند. ایفای نقش در نمایش‌های «پنجره فولاد»، «اکبر آقا آکتور تئاتر»، «بنگاه تئاترال»، «رستوران عمو اکبر»، «از خاک تا افلاک»، «مش اکبر و دخترانش»، «سوپر بقال ایرانی» و «دوستان با محبت»، فیلم‌های «هنر پیشه»، «آدم‌رفی»، «دزد و روسک‌ها»، «مادر»، «دشمن‌گان»، «خواب‌می‌آد»، «خواب‌ده‌ها»، «آخر اچی‌ها» و «سروایی»، «سفر جادویی»، «مرد آفتابی» و «قاعده بازی» از سوابق این هنرمند فقید است.

همچنین عبدی در مجموعه‌های تلویزیونی همچون «مجلس‌برویا»، «مجلس‌بهداشت»، «باز مدرسه‌ام دیر شد»، «امام علی (ع)»، «به سوی افتخار»، «زیر آسمان شهر»، «معصومیت از دست‌رفته»، «شوق پرواز» و «در چشم‌باد» و تله‌تئاترهای «سنجاب‌ها» و تله‌تئاتر «باجناق‌ها» ایفای نقش کرده است.

دریافت سیم‌غ بلورین بازیگر نقش دوم مرد در هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم «مادر» به کارگردانی علی حاتمی، دریافت سیم‌غ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در سی‌امین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر برای ایفای نقش در فیلم «خواب‌می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران، و نامزدی دریافت جایزه در بیستمین دوره جشنواره فیلم فجر از افتخارات عبدی است.

سیاست حافظه در شعر معاصر ایران

چرا شعرهای معاصر ایران پیش از دهه‌ی هفتاد بیش از شعرهای امروز در حافظه مانده‌اند؟

در نتیجه، شعر از طریق تفسیر نیز در حافظه تثبیت می‌شد. اما از دهه‌ی هفتاد به بعد، با غلبه‌ی نظریه‌های پس‌اساختارگرا، خود نقد نیز از تولید معنای واحد فاصله گرفت. منتقد دیگر مفسر حقیقت شعر نبود؛ بلکه یکی از خوانندگان آن محسوب می‌شد. در نتیجه، آن دستگاه عظیم تولید حافظه نیز به تدریج فروپاشید. با این همه، شاید مهم‌ترین تحول، تغییر فناوری حافظه باشد. اگر والتر بنیامین نشان داد که تکنیر مکانیکی، جایگاه اثر هنری را دگرگون می‌کند،

امروز باید از مرحله‌ای فراتر سخن گفت؛ یعنی از «حافظه‌ی مکانیکی» یا آنچه برنارد استیگلر «حافظه‌ی فنی» می‌نامد. گوشی‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو، وظیفه‌ی حافظه را از ذهن انسان گرفته‌اند. دیگر ضرورتی برای حفظ کردن شعر وجود ندارد، زیرا متن همیشه در دسترس است. این دگرگونی صرفاً تکنولوژیک نیست؛ بلکه زیبایی‌شناسی شعر را نیز تغییر داده است. در گذشته، تکرار شرط بقا بود. شعر باید آن قدر آهنگین، خوش ساخت و شعاری می‌بود که بتوان آن را بارها بازخوانی کرد. اما در عصر دیجیتال، دسترسی جایگزین حفظ کردن شده است. شعر بیش از آنکه در حافظه زندگی کند، در آرشیو زندگی می‌کند.

مارشال مک‌لوهان سال‌ها پیش گفته بود که رسانه‌ها امتداد حافظه‌ی انسان‌اند. اما در عصر دیجیتال، رسانه تنها حافظه را امتداد نمی‌دهد؛ بلکه جایگزین آن می‌شود. هرچه ظرفیت حافظه‌ی فنی افزایش یافته، نیاز به حافظه‌ی زیسته کاهش یافته است. شاید به همین دلیل است که امروز کمتر کسی شعری را از حفظ می‌خواند، حتی اگر همان شعر را بارها در تلفن همراه خود دیده باشد. از این منظر، فراموش شدن نسبی شعرهای پس از دهه‌ی هفتاد الزام‌ناشانه‌ی ضعف آن‌ها نیست. این شعر هادرون رژیم دیگری از حافظه تولید شده‌اند؛ رژیمی که در آن، ایدئولوژی جای خود را به تجربه، پیام جای خود را به زبان، حافظه‌ی جمعی جای خود را به حافظه‌های فردی و حافظه‌ی انسانی جای خود را به حافظه‌ی دیجیتال داده است. بنابراین، پرسش اصلی دیگر این نیست که «چرا شعرهای امروز در حافظه نمی‌مانند؟» بلکه باید پرسید: آیا در عصر حافظه‌های مصنوعی، اساساً هنوز چیزی به نام شعر حافظه‌ساز امکان‌پذیر است؟ شاید مسئله نه بحران شعر، بلکه دگرگونی خود حافظه باشد؛ تحولی که نسبت ما را با ادبیات، با زبان و حتی با خویش‌ن شدن تغییر داده است.

اجتماعی، شعر را از متن ادبی به بخشی از حافظه‌ی جمعی تبدیل می‌کرد. شعر نه فقط خواننده، بلکه نقل، تفسیر و بازتولید می‌شد.

در مقابل، شعر فرم‌گرا پروژه‌ی دیگری را دنبال می‌کرد. این شعر بیش از آنکه بخواهد مخاطب را درون یک ایدئولوژی فرا بخواند، می‌کوشید زبان را موضوع تجربه قرار دهد. معنا دیگر مقصد نهایی شعر نبود؛ بلکه خود زبان به میدان بازی تبدیل شد. از همین رو، شعر فرم‌گرا کمتر نیازمند

سیناچان - یکی از پرسش‌های مهم در تاریخ شعر معاصر ایران این است که چرا هنوز بسیاری از مخاطبان، شعرهای شاملو، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و حتی شاعران متعهد نسل انقلاب را از حفظ می‌خوانند، اما شعرهای سه دهه‌ی اخیر، با وجود تنوع و پیچیدگی زیبایی‌شناختی، کمتر به حافظه‌ی عمومی راه یافته‌اند. آیا شعر امروز ضعیف‌تر شده است؟ یا اساساً ساز و کار حافظه تغییر کرده است؟

پاسخ را باید نه در کیفیت ذاتی شعر، بلکه در نسبت میان شعر، ایدئولوژی، حافظه و رسانه جست‌وجو کرد.

نخست باید توجه داشت که شعر متعهد و شعر فرم‌گرا صرفاً دو سبک ادبی نبودند، بلکه دو شیوه‌ی متفاوت برای ساختن مخاطب بودند. شعر متعهد می‌کوشید خواننده را به یک سوژه‌ی اجتماعی تبدیل کند. شعر، تنها برای لذت زیبایی‌شناختی نوشته نمی‌شد؛ بلکه می‌خواست مخاطب را به کنش وادارد، او را به عضوی از یک «ما»ی جمعی بدل کند. از این منظر، می‌توان از مفهوم «استنطاق» در اندیشه‌ی لویی آلتوسر بهره گرفت. آلتوسر نشان می‌دهد که ایدئولوژی افراد را «خطاب» قرار می‌دهد و آنان را به سوژه تبدیل می‌کند. هنگامی

که شاملو می‌نویسد: «من درد مشترکم، مرا فریاد کن»، شعر تنها جمله‌ای شاعرانه تولید نمی‌کند؛ بلکه خواننده را فرا می‌خواند تا جایگاه معینی را اشغال کند. خواننده باید پاسخ دهد، همذات‌پنداری کند و خود را در این «درد مشترک» باز شناسد.

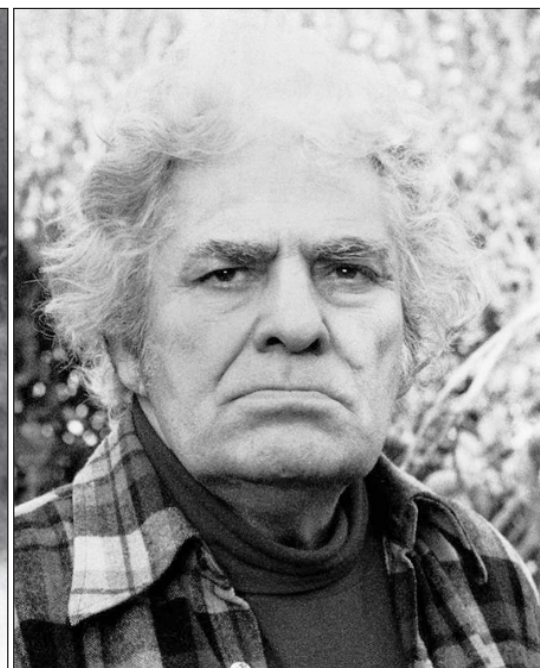
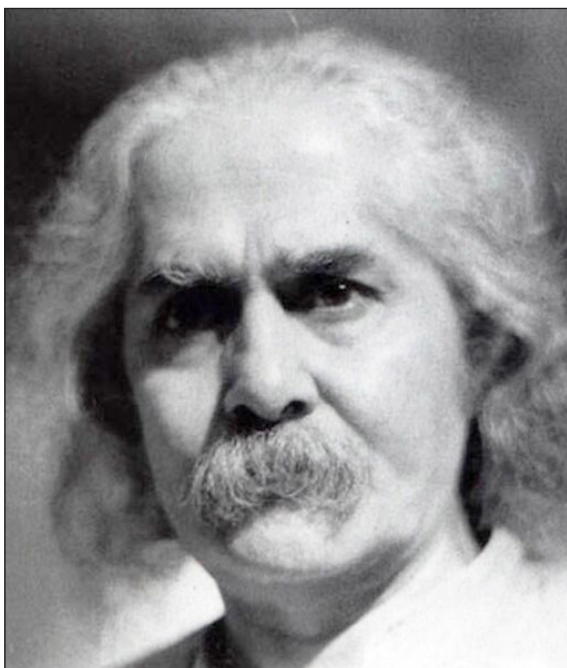
در چنین وضعیتی، حفظ کردن شعر یک فعالیت ادبی صرف نیست؛ بلکه نوعی مشارکت ایدئولوژیک است. کسی که شعر را از بر می‌کند، در حقیقت یک گفتمان را نیز در حافظه‌ی خود تثبیت می‌کند. از همین رو، رابطه‌ی شعر متعهد با حافظه، رابطه‌ای تصادفی نیست؛ حافظه، بخشی از ساز و کار ایدئولوژی است.

از سوی دیگر، مفهوم حافظه چنانکه موریس هالبواکس در کتاب «جامعه‌شناسی حافظه‌ی جمعی» مطرح می‌کند (۱۴۰۳) هرگز امر صرفاً فردی نیست؛ جامعه تعیین می‌کند چه چیز باید به خاطر سپرده شود. شعرهای متعهد در دانشگاه، انجمن‌های ادبی، محافل روشنفکری، جلسات سیاسی و حتی گفت‌وگوهای روزمره مدام بازخوانی می‌شدند. این تکرار

تکرار جمعی است. این شعر بیش از آنکه در حافظه زندگی کند، در فرایند خواندن تحقق می‌یابد. هر خوانش، تجربه‌ای تازه است و نه تکرار یک پیام از پیش تثبیت شده.

پل ریکور میان حافظه و تفسیر رابطه‌ای بنیادین برقرار می‌کند. حافظه زمانی تثبیت می‌شود که روایت شکل بگیرد. شعر متعهد معمولاً روایتی روشن از جهان ارائه می‌کرد؛ خیر و شر، آزادی و استبداد، مردم و قدرت. اما شعر فرم‌گرا عمداً روایت را تعلیق می‌کند و خواننده را با چندگانگی معنارویه‌رو می‌سازد. نتیجه آن است که این شعر کمتر قابلیت تبدیل شدن به حافظه‌ی مشترک را پیدا می‌کند، زیرا هر خواننده روایت خود را می‌سازد.

عامل مهم دیگر، نقش نقد ادبی است. پیش از دهه‌ی هفتاد، بخش مهمی از نقد ادبی، نوعی هرمنوتیک عمومی بود. منتقدان بزرگ، شعر را برای مخاطبان تفسیر می‌کردند و به آن معنای تاریخی و اجتماعی می‌بخشیدند. آنان میان متن و جامعه واسطه بودند. نقد ادبی تنها درباره‌ی فرم سخن نمی‌گفت؛ بلکه شعر را به تجربه‌ی سیاسی، اخلاقی و تاریخی پیوند می‌زد.



انتقاد از روند کند اجرای پروژه باند دوم محور زنجان - دندی

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار زنجان با انتقاد از روند کند اجرای پروژه باند دوم محور زنجان - دندی، خواستار ارائه گزارش شفاف از میزان اعتبارات دریافتی، نحوه هزینه‌کرد منابع و دلایل تأخیر در اجرای این طرح شد و تأکید کرد: پیشرفت فیزیکی پروژه به منابع اختصاص یافته تناسب ندارد.

به گزارش همدلی؛ مسعود بیات منش در جلسه شورای فنی استان با اشاره به وضعیت دو محور مهم استان یعنی بهسازی زنجان - حلب - بیجار و زنجان - دندی - تکاب، افزود: احداث باند دوم محور زنجان - دندی از سال ۱۳۸۷ آغاز شده است که تا سال ۱۳۹۹، تحت مدیریت اداره کل راه و شهرسازی استان قرار داشت و از سال ۱۳۹۹، مسئولیت این پروژه با هدف تسریع در عملیات اجرایی آن به شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور تفویض شد اما این تغییر مدیریت، دستوراد مملوسی به همراه نداشته است و با اشاره به وضعیت عملیاتی و پیشرفت فیزیکی قبل و بعد از انتقال مسوولیت طرح، افزود: پیش از سال ۱۳۹۹، بخش قابل توجهی از عملیات خاکی حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد در قطعات مختلف توسط پیمانکاران پیشین انجام شده بود ولی در طول چهار تا پنج سال اخیر، پیشرفت فیزیکی پروژه به ویژه در بخش آسفالت ریزی بسیار ناچیز بوده است. بیات منش اظهار داشت: پرسش کلیدی این است که چرا با وجود آماده بودن زیرساخت‌ها در برخی قطعات مانند ۱۰ کیلومتر ابتدایی، این مسیر همچنان به بهره‌برداری نرسیده و به یکی از نقاط حادثه‌خیز استان تبدیل شده است. معاون استاندار زنجان با اشاره به ابهامات مالی و منابع اعتباری پروژه ها بر شفاف‌سازی منابع مالی آن تأکید کرد و گفت: منابع تأمین اعتبار این پروژه شامل ردیف‌های ملی بوده است که بودجه‌های تخصیصی سالانه از سال ۹۹ تا ۱۴۰۴ را دربر می‌گیرد و با اشاره به کمک‌های استانی برای پیشبرد پروژه نیز اظهار داشت: در این خصوص تفاهم‌نامه‌هایی از جمله به مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان در زمان تحویل پروژه به شرکت ساخت صورت گرفته بود و همچنین تخصیص ۲۰ درصد از درآمد حقوق مالکانه معدن انگوران طبق مصوبه شورای معادن استان در حدود ۲۵۰ میلیارد تومان در سال شامل آن شده است. بیات منش افزود: با استناد به هزینه‌های به‌روز شده یعنی حدود ۳۰ میلیارد تومان برای هر کیلومتر در قراردادهای جدید، معتقد هستیم که به رغم تزریق این حجم از منابع، پیشرفت پروژه در طول سال‌های اخیر بسیار اندک و شاید کمتر از یک درصد متناسب با اعتبارات بوده است. معاون استاندار زنجان با انتقاد از شرکت ساخت و توسعه بابت تغییر اولویت‌بندی اجرایی این طرح، گفت: به جای تکمیل نقاط حادثه‌خیز و گلوگاه‌های ترافیکی طرح، عملیات در بخش‌های دیگر متمرکز شده است. وی با اشاره به حضور دو شرکت پیمانکاری در محور دندی و بروز مشکلاتی که منجر به کندی یا توقف کار شده است، ادامه داد: در مورد اینکه چه مقدار از اعتبارات دریافتی به ویژه از حقوق معادن در این پروژه هزینه شده است باید شفاف‌سازی و اعلام شود. بیات منش خاطر نشان کرد: شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور باید به صورت مکتوب و شفاف گزارش مالی دقیق از میزان اعتبارات دریافتی از سال ۹۹ تا ۱۴۰۴ از تمامی منابع ارائه کند و علاوه بر آن تطبیق هزینه‌های انجام شده با پیشرفت فیزیکی پروژه، چرایی تکمیل نشدن ۱۰ کیلومتر آماده‌سازی شده و دلایل تغییر اولویت‌های اجرایی در محورهای حادثه‌خیز را اعلام نماید.



جابجایی شهر ک روی زنجان وعده‌ای بدون پشتوانه؟

احمد اسدی - مدیر مسئول پایگاه خبری همدلی - اظهارات مسعود بیات منش معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری زنجان در خصوص برنامه سه ساله برای جابجایی شهرک تخصصی روی موجب شده سوالات زیادی در این خصوص ایجاد شود و مهم ترین سوال اینکه جابجایی شهرک روی زنجان؛ وعده‌ای بدون پشتوانه؟ است!

مطالبه جابجایی شهرک تخصصی روی زنجان سال‌هاست به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شهروندان تبدیل شده است. استقرار این مجموعه صنعتی در مجاورت بافت شهری، پیامدهایی چون آلودگی هوا، فرسایش خاک و نگرانی‌های جدی زیست‌محیطی را به دنبال داشته و بارها موضوع انتقال آن در سطح مدیریت استان مطرح شده است.

تازه‌ترین اظهارات معاون استاندار زنجان از تدوین برنامه‌ای سه‌ساله برای ایجاد زیرساخت‌های جابجایی شهرک روی حکایت دارد؛ اما آنچه در این میان مغفول مانده، ارائه جزئیات و مستندات این طرح است. هنوز مشخص نیست این برنامه بر پایه چه مطالعات امکان‌سنجی، ارزیابی‌های محیط‌زیستی و برآوردهای مالی تدوین شده است.

تجربه جابجایی پسماند‌های روی در سال‌های گذشته نیز چندان امیدوارکننده نبود. اقدامی که قرار بود بخشی از مشکلات زیست‌محیطی را حل کند، به دلیل ضعف در اجرا و نبود نظارت کافی، خود به منشأ انتقادات و نگرانی‌های تازه تبدیل شد. همین سابقه، پرسش‌های جدی درباره امکان اجرای موفق پروژه‌ای به مراتب بزرگ‌تر را ایجاد می‌کند.

اما مهم‌ترین ابهام به منابع مالی بازمی‌گردد. انتقال یک شهرک صنعتی بزرگ نیازمند هزاران میلیارد تومان اعتبار برای تأمین زمین، احداث زیرساخت‌های جدید، جابجایی خطوط تولید و پاکسازی محیط فعلی است. در شرایطی که بسیاری از پروژه‌های نیمه‌تمام استان با کمبود اعتبار مواجه‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که منابع مالی این طرح از کجا تأمین خواهد شد؟

تا زمانی که مسئولان به این پرسش‌ها پاسخ روشن ندهند و نقشه راهی شفاف همراه با زمان‌بندی، مطالعات فنی و مدل تأمین مالی ارائه نکنند، وعده جابجایی شهرک روی بیش از آنکه یک برنامه اجرایی باشد، یک اعلام موضع سیاسی و رسانه‌ای تلقی خواهد شد.

مردم زنجان دیگر وعده‌نمی‌خواهند؛ آنها منتظر ارائه یک برنامه واقعی، قابل سنجش و قابل اجرا هستند.

زنجان دومین استان برتر در اجرای برنامه ایمنی آب‌شد

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان زنجان از کسب جایگاه دوم کشوری این استان در اجرای برنامه ایمنی آب خبر داد.

علی محمدنادر خانی روز شنبه گفت: استان زنجان با دریافت ۱۴ گواهینامه برنامه ایمنی آب، یکی از موفق‌ترین استان‌های کشور در استقرار این برنامه ملی و اجرایی الزامات آن بوده است. وی اظهار داشت: بر اساس گزارش معاونت بهره‌برداری شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور این موفقیت در سایه برنامه ریزی هدفمند، تلاش مستمر همکاران در سطح شرکت و همچنین تعامل سازنده با دانشگاه علوم پزشکی و دستگاه‌های مرتبط با سلامت استان به دست آمده است. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان زنجان با بیان اینکه برنامه ایمنی آب جامع‌ترین رویکرد مدیریت ریسک در تأمین آب آشامیدنی به شمار می‌رود، افزود: در این برنامه، تمامی مخاطرات احتمالی از منبع تأمین آب تا نقطه مصرف شناسایی، ارزیابی و کنترل می‌شود تا سلامت و کیفیت آب شرب به بهترین شکل ممکن تضمین شود.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت تکبرگی شش دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۱۱۲۸ فرعی از ۵۲۱۶ اصلی واقع در بخش یک زنجان به شماره چابی ۳۴۴۴۲۶ - ۹۸/ به آدرس زنجان خیابان خرمشهر خیابان سوم شعبان کوچه دوم غربی (قهرمانی) پلاک ۴۰ واحد ۷ به نام آقای امیررضا ذبیحیان فرزند اصغر به شماره ملی ۴۲۷۰۶۹۴۹۷۱ صادر از زنجان صادر و تسلیم گردیده است، سپس نامبرده با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد تبصره ۱ ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از اتحاداعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. **اسحق بیگلری - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دوز زنجان**

مشارکت نظام پزشکی کیفیت تصمیم سازی در حوزه سلامت را ارتقا می‌دهد

استاندار زنجان با تأکید بر نقش تشکلهای تخصصی در سیاست‌گذاری حوزه سلامت، گفت: هرچه خروجی کارگروه‌های کارشناسی دقیق‌تر، علمی‌تر و غنی‌تر باشد، تصمیمات مدیریتی نیز از کیفیت و اثربخشی بیشتری برخوردار خواهد بود. سیدمحسن صادقی روز شنبه، سوم مرداد در دیدار با اعضای سازمان نظام پزشکی استان، با اشاره به اهمیت بهره‌گیری از ظرفیت تشکلهای تخصصی در تصمیم‌سازی، اظهار کرد: در دولت چهاردهم استفاده از توان تشکلهای صنفی و گروه‌های تخصصی برای بررسی ابعاد مختلف مسائل، به یک رویکرد جدی تبدیل شده است و حضور نمایندگان این تشکلهای هادرسات کارشناسی می‌تواند به اتخاذ تصمیمات واقع‌بینانه‌تر و کارآمدتر منجر شود. وی با بیان اینکه مشارکت فعال نهادهای تخصصی، کیفیت سیاست‌گذاری در حوزه سلامت را ارتقا می‌دهد، افزود: هرچه مباحث کارشناسی با دقت و جامعیت بیشتری بررسی شود، تصمیمات اتخاذ شده نیز از پشتوانه علمی قوی‌تری برخوردار خواهد بود. استاندار زنجان با اشاره به جایگاه سازمان نظام پزشکی، بیان کرد: این سازمان علاوه بر صیانت از حقوق و جایگاه جامعه پزشکی، در حفظ اعتماد عمومی به نظام سلامت نیز نقش مهمی برعهده دارد. جامعه پزشکی همچنان از سرمایه اجتماعی ارزشمندی برخوردار است و حفظ این سرمایه، مستلزم ارتقای کیفیت خدمات، نظارت مستمر و اصلاح رویه‌های اجرایی است. صادقی با تأکید بر ضرورت بازنگری مستمر در برخی ضوابط و فرآیندهای حوزه سلامت، گفت: نظام سلامت با موضوعی راهبردی و حیاتی سروکار دارد و ضروری است متناسب با تحولات و نیازهای روز، سازوکارهای اجرایی و نظارتی آن نیز به‌روزرسانی شود. وی همچنین از سازمان نظام پزشکی استان خواست نظام مسائل جامعه پزشکی را تدوین و به استانداری ارائه کند و افزود: لازم است مهم‌ترین چالش‌ها، مطالبات و مسائل این حوزه به‌صورت اولویت‌بندی شده و همراه با راهکارهای اجرایی ارائه شود تا با رویکرد مسئله‌محور و با مشارکت دستگاه‌های مرتبط، زمینه رفع مشکلات فراهم شود. استاندار زنجان با تأکید بر اینکه حل مسائل حوزه سلامت نیازمند تعامل و هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای نظارتی و تشکلهای تخصصی است، خاطر نشان کرد: استانداری از ظرفیت این نهادهای برای اصلاح رویه‌ها و رفع موانع استفاده خواهد کرد. نماینده عالی دولت در استان زنجان با اشاره به اهمیت توجه به نظرات و مطالبات مردمی در ارتقای خدمات درمانی، اظهار کرد: بررسی مستمر شکایات، پیشنهادهای بازخوردهای مردم، تصویربرروشنی از انتقادات جامعه ارائه می‌دهد و می‌تواند زمینه اصلاح فرآیندها، افزایش کیفیت خدمات و ارتقای رضایتمندی عمومی را فراهم کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت سه دانگ از شش دانگ عرصه و اعیان یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ۱۳۳۷۵ فرعی از ۴۱ اصلی واقع در بخش ۷ زنجان به شماره چابی ۲۶۷۶۲۶ سری ب سال ۱۴۰۴ به شماره دفتر املاک الکترونیکی ۱۳۵۷۹۰۱۰۳۳۷۰۳۳۷۰ ماده ۱۴۰ و سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان به شماره چابی ۲۶۷۶۲۷ سری ب سال ۱۴۰۴ به آدرس زنجان شرق انصاریه خیابان شیخ عتیق زنجان دوم، خیابان سهروردی چهارم، پلاک ۶۲۴۱، ساختمان شبنم ۵ به ترتیب به نام خانم سمانه فرامرزی و زلیخانقی پور کردقی صادر و تسلیم گردیده است، سپس مالکین با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد تبصره ۱ ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از اتحاداعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. **اسحق بیگلری - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دوز زنجان**

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت کاداستری شش دانگ یک باب خانه مسکونی به شماره پلاک ثبتی ۱۱۹۷ فرعی از ۴۳ اصلی واقع در بخش ۷ زنجان به شماره چابی ۴۶۵۶۲۹ سری د سال ۹۴ به شماره دفتر املاک الکترونیکی ۱۴۵۶۵۰۱۰۳۹۶۲۰۳۳۷۰ ماده ۱۳۹۷/۹/۱۳ و ۲۹۶۶۰ - ۱۳۹۹/۹/۱۶ دفتر اسناد رسمی ۲۴ زنجان در رهن بانک صنعت و معدن قرار گرفته است. سپس مالک با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد تبصره ۱ ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از اتحاداعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد.

اسحق بیگلری - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دوز زنجان

اطلاعیه

به استحضار هم‌استانی‌های عزیز می‌رساند، با توجه به ضرورت حفظ پایداری شبکه سراسری برق و با هدف مدیریت بهینه مصرف، برنامه خاموشی‌های احتمالی به صورت چرخشی و با اولویت توزیع عادلانه اعمال می‌گردد. در همین راستا، توجه به نکات ذیل الزامی است:

تغییرات احتمالی در برنامه‌ها:

شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان، تمام تلاش خود را جهت اطلاع‌رسانی برنامه‌های مدیریت بار حداقل ۷۲ ساعت پیش از اعمال محدودیت به‌کار می‌گیرد. با این حال، به دلیل ناپایداری شرایط جوی و تغییرات لحظه‌ای در سهمیه ابلاغی از سوی شرکت توانیر برای حفظ پایداری شبکه، ممکن است برنامه‌های اعلام‌شده با تغییرات احتمالی (حداکثر ۲۴ ساعت قبل) مواجه گردند.

استعلام روزانه:

از کلیه مشترکین محترم تقاضا می‌شود جهت اطلاع از زمان‌بندی دقیق محدودیت‌ها، به صورت روزانه تنها از مراجع رسمی زیر اقدام نمایند. تأکید می‌گردد از استناد به اطلاعات غیررسمی و انتشار شایعات در فضای مجازی خودداری شود:



ios



android



نصب اپلیکیشن برق‌من
bargheman.com/mobile-app



بازوی برق‌من در پیام‌رسان بله
ble.ir/BarghemanBot



پایگاه اینترنتی توزیع برق استان زنجان
www.zedc.ir